



چین و کشورهای منطقه، کارزار فشار اقتصادی آمریکا علیه ایران را ناکام می گذارند

ترامپ تنها می ماند؟

گزارش

وارد مرحله تازه‌ای شده است. وقتی دونالد ترامپ نزدیک به شش ماه پیش جنگ علیه ایران را آغاز کرد، امیدوار بود بتواند ایران را در هم بشکند. اما با ناکام ماندن بمباران‌ها در دستیابی به این هدف، واشنگتن مسیر دیگری را آزمود و روی مشوق های اقتصادی حساب باز کرد. آمریکا در ماه ژوئن پیشنهاد لغو بخشی از تحریم‌ها و میلیارد‌ها دلار سرمایه‌گذاری را به ایران ارائه کرد. اما این رویکرد نیز به دلیل کارشکنی های خود واشنگتن شکست خورد. اکنون، پس از ناکامی این گزینه‌ها، آمریکا بار دیگر به ابزار تحریم و فشار اقتصادی روی آورده و در تلاش است تا ضربه‌ای سنگین به اقتصاد ایران وارد کند. با این حال، تجربه سال‌های گذشته تردیدی جدی درباره اثربخشی این سیاست ایجاد کرده است و بسیاری معتقدند کارزار جدید نیز، مانند تحریم‌های پیشین آمریکا، به نتیجه مورد نظر واشنگتن منجر نخواهد شد. واکنش‌های بین‌المللی نیز نشان می‌دهد که واشنگتن برای پیشبرد کارزار فشار اقتصادی علیه ایران با موانع جدی روبه‌روست. چین، به عنوان مهم‌ترین شریک تجاری ایران، با تشدید فشارهای آمریکا مخالفت کرده و روسیه نیز از منتقدان سیاست تحریمی واشنگتن است. حتی قطر، که از متحدان نزدیک آمریکا در منطقه به شمار می‌رود، نسبت به تشدید فشارها و پیامدهای آن برای ثبات منطقه ابراز نگرانی کرده است. تحلیلگران بین‌المللی نیز معتقدند، آمریکا بدون همراهی چین و کشورهای حاشیه خلیج فارس، با دشواری جدی مواجه خواهد شد.

مخالفت با فشار آمریکا

در واکنش به اظهارات ترامپ، تحلیلگران معتقدند، سیاست جدید فشار اقتصادی واشنگتن، به طور مشخص سه کشور چین، امارات متحده عربی و ترکیه را که از مهم‌ترین شرکای تجاری ایران به شمار می‌روند، هدف قرار خواهد داد. در همین راستا، لین جیان، سخنگوی وزارت خارجه چین، در نشست خبری روز سه‌شنبه به تهدیدهای آمریکا برای اعمال تحریم علیه کشورهای دارای روابط اقتصادی با ایران واکنش نشان داد و گفت: «روابط تجاری پکن و تهران مطابق قوانین جهانی است، لین جیان اظهار کرد: «همکاری چین و ایران همواره در چارچوب حقوق بین‌الملل انجام شده

است و نباید مورد مداخله یا اخلال قرار گیرد. چین تحولات مرتبط را با دقت زیر نظر دارد و تمام اقدامات لازم را برای قاطعانه دفاع کردن از حقوق و منافع خود اتخاذ خواهد کرد». این موضع‌گیری در حالی مطرح شد که پکن طی روزهای گذشته نیز چندین بار درباره پیامدهای سیاست فشار اقتصادی واشنگتن هشدار داده بود. سخنگوی وزارت خارجه چین روز دوشنبه اعلام کرد، «تحریم و اعمال فشار نه تنها کمکی به حل مسائل نمی‌کند، بلکه موجب تشدید تنش‌ها خواهد شد و در راستای منافع هیچ‌یک از طرف‌ها نیست». وی با اشاره به اینکه پکن تحولات مرتبط را از نزدیک دنبال خواهد کرد، افزود که برای حفاظت از

حقوق و منافع مشروع خود، اقدامات ضروری را اتخاذ خواهد کرد. این دیپلمات چینی همچنین روزهای پنجشنبه و جمعه گذشته با محکومیت فشارهای آمریکا علیه ایران، تصریح کرده بود، «چین با تحریم‌های یکجانبه و غیرقانونی که فاقد مبنای حقوق بین‌الملل بوده و از سوی شورای امنیت سازمان ملل متحد مجاز نشده‌اند، مخالف است.»

در کنار چین، قطر نیز بر مخالفت خود با رویکرد تحریمی واشنگتن و ضرورت حل بحران از مسیر دیپلماسی تأکید کرده است. ماجد انصاری، سخنگوی وزارت خارجه قطر، درباره برنامه فشار اقتصادی آمریکا بر ایران گفت، «این تحریم‌ها یکجانبه هستند و قطر از

لین جیان سخنگوی وزارت خارجه چین: همکاری چین و ایران همواره در چارچوب حقوق بین‌الملل انجام شده است و نباید مورد مداخله یا اخلال قرار گیرد



واشنگتن برای اجرای یک کارزار اقتصادی فراگیر علیه ایران، تنها با تهران مواجه نیست؛ بلکه باید با مخالفت شماری از شرکای مهم اقتصادی ایران و حتی برخی کشورهای منطقه نیز روبه‌رو شود. همین مسأله می‌تواند اجرای سیاست جدید آمریکا زودتر به این واقعیت پی ببرد، بهتر اقتصادی مؤثر بر ایران را به مراتب دشوارتر کند.

روسیه نیز پیش‌تر موضعی مشابه اتخاذ کرده و درباره پیامدهای تشدید فشار اقتصادی آمریکا علیه تهران هشدار داده بود. میخائیل اولیانوف، نماینده دائم روسیه نزد سازمان‌های بین‌المللی در وین، در همین رابطه به شبکه اجتماعی «ایکس» نوشت: «ایران چندین دهه است که تحت تحریم‌های آمریکا قرار دارد. تهران در دوره اول ریاست جمهوری ترامپ

حل مناقشه با میانجیگری حمایت می‌کند.» ماجد انصاری گفت: «این تحریم‌ها یکجانبه هستند. تحریم سازمان ملل نیستند. تحریم‌های چند جانبه هم نیستند، بنابراین، این پرسش باید برای کسانی مطرح شود که تصمیم به اعمال این تحریم‌ها گرفته‌اند. از نظر ما اولویت همواره دستیابی به یک راه حل دیپلماتیک از طریق گفت‌وگو بوده است.»

یک بام و دو هوایی ترامپ

تحلیلگران بین‌المللی معتقدند فشار اقتصادی بر ایران با چالش‌هایی جدی و نتیجه‌ای نامطمئن روبه‌روست

پکن برای ضد حمله آماده است



دینگ فوئی سخنگوی وزارت خارجه آمریکا در اروپا

تردید از آن آگاه است. در همین حال، پکن به سرعت در حال تقویت مجموعه قوانین و مقررات خود برای مقابله با تحریم‌ها و اقدامات تلافی‌جویانه است؛ ابزارهایی که اگر آمریکا واقعاً تهدیدهای خود را با شدت اجرا کند، احتمالاً چین از آنها برای پاسخ سخت استفاده خواهد کرد. برای مثال، اگر واشنگتن بانک‌های چینی را تحریم کند، پکن می‌تواند اقدامات متقابل انجام دهد. پکن نیز به خوبی می‌داند که واشنگتن احتمالاً تمایلی ندارد درست پیش از سفر ششی جین‌پینگ به آمریکا و از آن مهم‌تر در آستانه انتخابات میان‌دوره‌ای، وارد یک جنگ تجاری جدید و دوطرفه با چین شود؛ جنگی که می‌تواند هزینه‌های اقتصادی سنگینی برای آمریکا به همراه داشته باشد. چین نیز با واکنش اخیر روزنامه حزبی گلوبال تایمز نشانه‌هایی از موضع سختگیرانه احتمالی خود نشان داده است.

این روزنامه با استقبال از مقاومت کانادا در برابر تحریم‌های آمریکا، اقدام اتاوا را یک «ضد حمله به سبک چینی» توصیف کرد.

برای چین، تهدیدهای تجاری ترامپ چیز تازه‌ای نیست؛ تهدیدهایی که معمولاً جزئیات چندانی ندارند و در بسیاری از موارد، پیش از اجرا به تعدیل یا عقب نشینی می‌رسند. سنت اگرچه گفت چین نیز در اعمال مجازات علیه کشورها و شرکت‌هایی که با ایران تجارت می‌کنند، از این قاعده مستثنی نخواهد بود، اما هیچ جدول زمانی مشخصی برای اجرای این اقدامات ارائه نکرد و نگفت دقیقاً چه مجازات‌هایی ممکن است اعمال شود.

ایران معامله می‌کنند، حدود ۳۰ سال است که مجازات‌هایی ممکن است اعمال شود. «درخواست‌های مشخصی» را مطرح می‌کند، عملاً فضای زیادی برای رئیس‌جمهوری آمریکا باقی گذاشت تا در ادامه خواسته‌های خود را تعدیل کند یا زمان‌بندی اجرای آنها را آن قدر به تعویق بیندازد که عملایی اثر شوند؛ موضوعی که پکن بدون

ترامپ از شوک جهانی می‌ترسد



دنیل فرید معاون سابق وزیر خارجه آمریکا در امور اروپا

تحریم‌های جدید علیه ایران که بسنت بعد از ظهر دوشنبه اعلام کرد، به گفته خود او صرفاً «شلیک هشدار» بود، نه ضربه‌ای که بتواند اقتصاد ایران را از پا درآورد. تحریم‌های اعلام‌شده قرار است شرکت‌هایی در ایران، چین و برخی کشورهای دیگر، همچنین نفتکش‌های ناوگان موسوم به «ناوگان سایه» و دیگر اهداف مرتبط را دربرگیرد. با این حال، هیچ‌یک از این اقدامات تغییری اساسی در شرایط ایجاد نمی‌کند. لحن بسنت تند و تهدیدآمیز بود، اما شدت ضربه چندان زیاد نبود؛ هرچند او وعده داد اقدامات بیشتری در راه است، از جمله تحریم یک «مؤسسه مالی بزرگ» در اواخر همین هفته.

برای وارد کردن ضربه‌ای فلج‌کننده به اقتصاد ایران، احتمالاً آمریکا

باید شرکت‌ها و بانک‌های بزرگ چینی را نیز هدف قرار دهد؛ اقدامی که امروز انجام نشد. یک نکته قابل تأمل در این میان، پاسخ بسنت به این پرسش بود که چرا این اعلامیه بیشتر جنبه هشدار داشت تا اقدام عملی. او گفت نمی‌خواهد «نظام مالی جهانی را منفجر کند». این پاسخ قابل توجه است؛ آمریکا کشورهای ثالثی را که روابط اقتصادی خود با ایران را قطع نکنند به اقدام متقابل تهدید می‌کند، اما اجرای چنین تهدیدی هزینه‌ها و خطراتی دارد که به نظر می‌رسد خود بسنت نیز تمایلی چندانی به پذیرفتن آنها ندارد. به نظر می‌رسد برخی اعضای دولت آمریکا نیز به این واقعیت واقف شده‌اند که پیروزی سریع و قاطع بر ایران از طریق زور نظامی چندان محتمل نیست و به همین دلیل تلاش می‌کنند به رویکردی پایداتر و بلندمدت‌تر بازگردند. با این حال، حفظ چنین رویکردی آسان نخواهد بود؛ بویژه برای دولتی که به بی‌صبری و نوسان در سیاست‌گذاری شهرت دارد.

واشنگتن باید هزینه بیشتری بپردازد



ممد خورمیهانی و شمال آفریقای شورای آتلانتیک

اثربخشی تحریم‌ها باید بر اساس هدف آنها سنجیده شود. با اینکه «عملیات طرد اقتصادی» ممکن است تا حدی فشار مالی بر دولت ایران وارد کند اما به نظر می‌رسد پیامدهای اقتصادی این اقدام، احتمالاً بسیار محدودتر از آن چیزی خواهد بود که لحن مقام‌های دولت آمریکا نشان می‌دهد. ایران تجربه قابل توجهی در سازگار شدن با تحریم‌ها دارد و طی سال‌های گذشته، با تغییر مسیر ترانکش‌ها و انتقال فعالیت‌های تجاری و مالی به کانال‌های جایگزین، راه‌هایی برای دور زدن محدودیت‌ها پیدا کرده است.

نکته مهم دیگر، فاصله زمانی میان اعلام تحریم‌ها و اجرای مؤثر آنهاست. ایران می‌تواند از این فرصت برای سازگار شدن با شرایط جدید استفاده

کند. از این منظر، اجرای تحریم‌ها شبیه یک بازی «موش و گربه» است؛ هر بار که یک نهاد یا کانال مالی مسدود می‌شود، فعالیت‌ها به سازوکار دیگری منتقل می‌شوند؛ سازوکاری که اغلب غیرمتعارف‌تر و پیچیده‌تر است.

شاید مهم‌تر از همه، همان‌طور که برخی دیگر نیز اشاره کرده‌اند، نبود شرکت‌ها و نهادهای بزرگ چینی و دیگر بازیگران آسیایی در فهرست اقدامات امروز، درباره میزان اثربخشی نهایی این کارزار تردید ایجاد می‌کند. اگر آمریکا حاضر نباشد هزینه‌های قابل توجهی به مهم‌ترین طرف‌های خارجی وارد کند که تجارت و جریان‌های مالی ایران را تسهیل می‌کنند، به نظر می‌رسد «عملیات طرد اقتصادی» در نهایت تأثیر اقتصادی محدودی خواهد داشت.

در نهایت، میزان اثربخشی این تحریم‌ها باید بر اساس هدفی که برای آنها تعیین شده است سنجیده شود.

آزمون دشوار همراه کردن همسایگان ایران



مدیر ارتش ارتش «تاب‌آوری امنیت ملی» در شورای آتلانتیک

چالش اصلی این کارزار اقتصادی علیه ایران، اجرای آن است؛ مأموریتی دشوار در عرصه دیپلماسی. نهادهایی در عراق، کشورهای حوزه خلیج فارس، چین و دیگر نقاط جهان که با احتمالاً اقدامات نظامی علیه همسایگان خود را افزایش خواهند داد تا مانع از همکاری کامل آنها با آمریکا شود.

تهران تلاش خواهد کرد عراق و کشورهای حوزه خلیج فارس را وادار کند رویکردی محتاطانه و دویپلو در پیش بگیرند و اجازه دهند جریان پول به ایران ادامه پیدا کند. با این حال، تهران تلاش خواهد کرد از همسایگان خود به اندازه‌ای منابع ارزی به دست آورد که بتواند در برابر این فشارها دوام بیاورد و از کارزار اقتصادی آمریکا بیشتر مقاومت کند.

بدون چین و کشورهای خلیج فارس، فشار حداکثری ممکن نیست



مدیر ارتش ارتش «تاب‌آوری امنیت ملی» در شورای آتلانتیک

کنفرانس بسنت، پرسش‌های مهمی را بی‌پاسخ گذاشت: از جمله اینکه کشورهای مختلف چه مدت فرصت دارند اقدامات جدی و مؤثری برای منزوی کردن بیشتر اقتصادی ایران انجام دهند و این اقدامات دقیقاً چه خواهند بود. با این حال، آنچه می‌دانیم این است که این سیاست از برخی جهات یادآور کارزار «فشار حداکثری» ترامپ در دوره اول ریاست‌جمهوری اوست. این بار برخلاف آن دوره، چنین رویکردی ممکن است موفق شود، اما منزوی کردن ایران به سال‌ها سیاست منسجم و مستمر آمریکا نیاز خواهد داشت و احتمالاً این روند از پایان دوره ریاست‌جمهوری ترامپ نیز فراتر خواهد رفت. چالش اصلی اینجاست که برخلاف یک دهه پیش، کشورهای حوزه خلیج فارس دیگر پیشگام تلاش برای منزوی کردن ایران نیستند. متقاعد کردن قدرت‌های خلیج فارس، بویژه عربستان

سعودی – که در شرایط کنونی به سمت دیپلماسی و بهبود روابط با ایران حرکت کرده است – برای منزوی کردن اقتصادی تهران، دشوار خواهد بود و به تعهد جدی و برنامه‌ریزی راهبردی آمریکا نیاز دارد. علاوه بر این، اجرای این طرح در شرایطی به همراهی گسترده جهانی نیاز دارد که جایگاه آمریکا نزد متحدان سنتی‌اش تضعیف شده است؛ جلب حمایت رقبای واشنگتن نیز دشوارتر خواهد بود. تصور موفقیت این سیاست بدون همراهی جدی چین دشوار است؛ چه پکن داوطلبانه با اعمال فشار بر ایران موافقت کند – که بعید به نظر می‌رسد – و چه آمریکا با اعمال تحریم‌های هدفمند و سنگین علیه نهادهای مهم چینی، آن را به این کار وادار کند. از سوی دیگر، کشورهای حوزه خلیج فارس ممکن است در واکنش به افزایش فشار آمریکا، بیش از پیش به چین نزدیک شوند. تردیدهای کشورهای منطقه درباره میزان پایبندی ترامپ به این سیاست، چالش دولت آمریکا را پیچیده‌تر می‌کند. این تردیدها نیز بی‌دلیل نیست؛ چرا که تنها چند ماه پیش، ترامپ نفاذنامه‌ای را امضا کرد که در عمل مسیری تقریباً معکوس را دنبال می‌کرد.

فشار بر ایران، هزینه برای آمریکا و متحدانش



مدیر پیشین پرونده ایران در شورای امنیت ملی آمریکا

تا اینجا، «روز دی (D Day) اقتصادی» دستاورد چندانی نداشته است؛ یک شعار جدید، تحریم‌هایی نسبتاً معمول و تهدید به اعمال تحریم‌های بیشتر در آینده. چنین اقداماتی در دوره اول ریاست‌جمهوری ترامپ، امری عادی بود.

اما فرض کنیم که پشت تعهد بسنت، برنامه‌ای مشخص وجود دارد. در این صورت، اقدامات دولت آمریکا ممکن است آن را یک گام موفقیت‌آمیز علیه ایران بدانند؛ راهبردی که هزینه آن ممکن است به اندازه‌ای سنگین باشد که عملاً شکست محسوب شود.

پرسش این است که این فشارها با چه هزینه‌ای اعمال خواهد شد؟ و حتی اگر کارزار فشار اقتصادی موفق شود، در نهایت چه دستاوردی خواهد داشت؟ چین مهم‌ترین شریک تجاری ایران است و سال‌هاست تحریم‌های آمریکا را دور زده و نشانه چندانی از تغییر این رویکرد نشان نداده است.